گزارش خبری

تاریخ در قصر «جمیلان»، زیر تلی از خاک فراموش خواهد شد

■ **ایران‌نامه، شاهین سپنتا:** سرای تاریخی چنبلان مشهور به «قصر جمیلان» از آثار دوره صفوی است که بنیان آن به دوران ساسانی بازمی‌گردد و اکنون به دلیل بی‌توجهی سازمان اوقاف و سازمان میراث فرهنگی وضعیتی روی به ویرانی دارد. این بنا بازمانده از قصر چنبلان است که در محله تاریخی چنبلان یا سنبلان یا سنبلستان اصفهان قرار داشت. این محله پیش از اسلام از روستاهای منطقه «سپاهان» بود. در دوره پس از اسلام با بزرگ‌تر شدن سپاهان، این روستا یکی از محله‌های اصفهان به شمار رفت و به دنبال محصورشدن شهر، در داخل حصار شهر قرار گرفت. سرگذشت «قصر چنبلان» یا «جمیلان» به دوران ساسانیان بازمی‌گردد که خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م) پادشاه ساسانی، قصری باشکوه و زیبا برای همسرش «شکر اسپهانی» در این محل ساخت.

در دوره‌های تاریخی بعد، قصر چنبلان به صورت متروکه درآمد تا اینکه در دوره صفوی تخریب و باغ آن تفکیک شد و سازه‌های جدیدی از مدرسه تا مغازه و خانه در داخل محوطه برجای مانده، بنا شد. بنای فعلی که به نام «قصر جمیلان» ثبت شده یکی از این بناهاست که از دوره صفوی بازمانده است و در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۷۶ خورشیدی با شماره ۱۹۸۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. البته ویژگی‌های ساختاری این بنا بیشتر به یک «سرا» نزدیک است تا «کاروانسرا» و به نظر می‌رسد که بهتر است از آن با نام صحیح‌تر به صورت «سرای چُنبلان» یاد کنیم.

سرگذشت دور و دراز سرای چنبلان که روزگاری پناهگاه مردمان خسته از راه بود، امروز از یادها رفته و این بنای تاریخی روز به روز بیشتر در زیر غباری از بی‌توجهی مدفون می‌شود. استاد محمد مهریار در کتاب «فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان» در این مورد می‌نویسد که امروزه در جنوب غربی بیمارستان امین (شفاخانه سنبلستان) ساختمانی وجود دارد که سردر آن محفوظ مانده و درون آن محوطه‌ای است که از طرف کسبه تصرف شده است. چون این محل چملان یا چمبلان نامیده شده و به قصر چلمان هم معروف است، دیگر تقریبا شکی نمی‌ماند که سنبلان کهن که در منابع آمده همین‌جاست.

سرای چنبلان فعلی با کارکردی تجاری، در گذشته دارای دو طبقه مجزا از یکدیگر بوده که حجره‌های تحتانی برای عرضه یا انبار کالا و اشکوب فوقانی جهت استراحت و امور دفتری مالکان حجره‌ها بوده است.

سرای چنبلان دارای دو درگاه مجزا در ضلع شمالی و جنوب‌شرقی است که ورودی شمالی آن با سردری رفیع با اندود کاهگلی آذین یافته و همتای جنوبی‌تر

آن با رسم‌بندی‌های زیبا و منقوش، گل‌اندازی‌های آجری و فرورفتگی‌هایی در نمای ساختمان جلب توجه می‌کند. طرح‌های تزئینی بنا در بخش بیرونی شامل آجرکاری‌های منظم و یک‌دست موسوم به «آب‌مال» است که فواصل بندها و کوره‌بندهای آن را با صابونی‌هایی (بریده‌های کوچک از کاشی) پوشانده‌اند. در بعضی از قسمت‌ها از ارسی‌ها و قرنیزهای سنگی برجای‌مانده و ورودی‌های اصلی و تعدادی از حجره‌ها را طرح‌های زیبای چوبی تشکیل داده است. سطح محوطه سرای جمبلان خاکی و بدون هرگونه پوشش است و در بخش میانی آن چاه آب و باغچه‌ای قدیمی دیده می‌شود.

افزون بر جنبه‌های فرهنگی و تاریخی، اهمیت سرای چنبلان هنگامی روشن‌تر می‌شود که بدانیم این بنا بخشی از محور تاریخی «عتیق- جماله» به شمار می‌آید. این محور از ضلع شرقی میدان عتیق شروع می‌شود و با عبور از «محله جماله» و «کاروان‌سرای درب زنجیر» و «بازار حاج محمد جعفر» به «سرای چنبلان» ختم می‌شود. سرای چنبلان که در صورت مرمت می‌تواند کاربری فرهنگی و گردشگری داشته باشد، اکنون به عنوان چوب‌فروشی یا کارگاه نجاری به‌کار می‌رود و از این رهگذر نیز آسیب‌هایی دیده است.

مهدی فقیهی، پژوهش‌گر میراث فرهنگی، درباره وضعیت نگران‌کننده سرای چنبلان و آسیب‌هایی که در سال‌های اخیر به آن وارد شده به ایران‌نامه می‌گوید: «متاسفانه در سال‌های اخیر ساختار زیبای این بنا دچار دخل و تصرف زیادی شده، چنان که اشکوب فوقانی آن به طور کامل از میان رفته و بخش‌های تحتانی آن نیز به صورت ناشیانه و ابتدایی دست‌کاری و مرمت شده است.»

وی مواردی را که به وضوح به اصالت این بنای تاریخی آسیب رسانده‌اند به این شرح برمی‌شمرد: «سیم‌کشی‌های غیراصولی در اطراف ساختمان، تعویض در و پنجره‌های چوبی حجره‌ها، ناهمخوانی بخش‌های مرمت شده با یکدیگر، تعمیرات بی‌قاعده‌ای که هرکدام به شکل و شمایلی متفاوت توسط مالکان و صاحبان حجره‌ها به انجام رسیده‌اند.»

هرچند که اسفندیار حیدری‌پور مدیرکل پیشین میراث فرهنگی اصفهان در پاسخ به نگرانی‌های موجود درباره وضعیت سرای چنبلان گفته بود: «موضوع کاروانسرای جمیلان را دنبال خواهم کرد.» اما عمر کاری او وصال نداد تا این وعده خود را عملی کند و با اینکه این بنا پرونده وقفی نیز دارد، ولی تاکنون سازمان اوقاف و سازمان میراث فرهنگی برای نجات‌بخشی آن اقدام موثری انجام نداده‌اند.

قلعه پرتغالی‌ها در چابهار

قلعه پرتغالی‌ها در قشم/ عکس: ویکی پدیا

نگاهی به وضعیت قلعه پرتغالی‌ها در هرمز، قشم و چابهار

یادگار پرتغالی‌ها در جنوب ایران

فروغ صادقی: از دوره نیمچه استعماری پرتغال بر برخی بنادر و جزایر جنوبی ایران چیزی جز چند قلعه تاریخی باقی نمانده است؛ قلعه‌هایی مستحکم که برای حفاظت از نظامیان پرتغالی در برابر شورش احتمالی بندرنشینان ایرانی ساخته شده بود. قلعه‌ها حضور این استعمارگران در جنوب ایران و سیطره آنها بر تجارت دریایی این منطقه را برای بیش از ۱۱۰ سال تضمین کرد. این دوره از سال ۱۵۱۴ تا ۱۶۲۳ میلادی به طول انجامید. در این سال سپاهیان شاه‌عباس به رهبری امام قلی‌خان و به کمک نیروهای انگلیسی، پرتغالی‌ها را از جزیره هرمز که مقر اصلی آنها بود، بیرون کردند و پرچم آنان را از فراز این جزیره به زیر کشیدند.

۳۸۹ سال از آن تاریخ گذشته، اما بقایای قلعه‌های پرتغالی هنوز در برخی بنادر و جزایر ایرانی برجا مانده است. این قلعه‌ها حالا فقط عنوان پرتغالی‌ها را بر خود دارد و بخشی از جذابیت‌های توریستی تاریخی ایران است و هرساله هزاران گردشگر از گوشه و کنار کشور برای دیدن این قلعه‌ها که تقریبا در بیشتر مناطق حاشیه خلیج‌فارس وجود دارد، در بندر قشم، کنگ، عمان، راس‌الخیمه، قشم، جزیره هرمز وجاهای دیگر، به این مناطبق سفر می‌کنند. معماری بیشتر این قلعه‌ها شبیه هم است. این قلعه‌ها با پلان چهارضلعی نامنظم، دیوارهایی به قطر حدود ۳/۵متر و برج‌هایی به ارتفاع حدود ۱۲متر در چهار گوشه دارند.

استعمار پرتغالی‌ها از کی شروع شد؟

پس از تشکیل امپراتوری عثمانی و تصرف قسطنطنیه (استانبول) در سال ۴۵۳ توسط ترکان و از بین رفتن مسیر تجاری جاده ابریشم، روابط تجاری بین آسیا و اروپا با مشکل مواجه شد. از سوی دیگر رقابت بین تجار ونیزی و دیگر اروپاییان بر سر کالاهای گرانقیمت شرق، اروپاییان را به فکر یافتن راه‌های جدید تجاری در مناطق شرقی انداخت که منجر به آغاز دور جدیدی از استعمار در کشورهای مسلمان به‌ویژه ایران و هند شد. در طول قرن پانزدهم پرتغالی‌ها بیش از همه برای در دست گرفتن این تجارت مهم تلاش کردند. از این رو ناوگان‌های متعددی را به همراه دریانوردانی چون «واسکو دوگاما» «بارتولو مئو دیاس» «پرودی کوبلیان» برای شناسایی این مناطق به شرق و سواحل جنوبی آفریقا، جنوب هند و عربستان فرستادند.

قبل از آمدن پرتغالی‌ها، تجارت دریایی مشرق در دست اعراب عمان و یمن بود، پرتغالی‌ها این تجارت را به زور از دست آنان گرفته و به مدت چند قرن در اختیار داشتند.

در سال ۱۵۰۶ آلفونسو آلفوکرک دریاسالار معروف پرتغالی که به مستعمرات پرتغال در آسیا سفر کرده بود بر حسب اتفاق گذرش به خلیج‌فارس افتاد و با آن نواحی آشنایی پیدا کرد و بلافاصله با حضور در دربار مانوئل، پادشاه پرتغال طرح خود را برای اشغال جزایر خلیج‌فارس را ارایه و به تصویب رساند. «آلفونسو آلفوکرک» چندسال بعد برای اولین‌بار به جزیره هرمز وارد شد، حاکم جزیره را تحت فشار قرار داده و مجبور به پرداخت خراج به پرتغالی‌ها کرد. وی در سال ۱۵۱۴مجددا به هرمز حمله کرد و جزیره را به تصرف کامل خود در آورد و سیف‌الدین حاکم هرمز را به صورت امیر خراج‌گذار پرتغال در راس حکومت هرمز گذاشت. پرتغالی‌ها مرتب بر میزان خراج هرمز می‌افزودند به طوری که میزان آن از ۱۵هزار به یک‌صدهزار سرافین رسید. در این دوره، از هرمز به عنوان شهری زیبا، پررونق، مرفه و آسوده یاد شده است. تسلط پرتغالی‌ها بر هرمز برای اقتصاد ایران بسیار زیان‌بار بود. در همین زمان آلفوکرک دژی مستحکم در ساحل هرمز بنا کرد. این دژ به «قلعه پرتغالی‌ها» معروف است. در پی حملات متعدد پرتغالی‌ها به جزیره هرمز پیمان‌نامه‌ای بین ایران و پرتغال بسته شد.

براساس این پیمان ایران هرمز را به عنوان مستعمره پرتغال به رسمیت شناخت. این تسلط بر امور تجاری و اقتصادی هرمز تا دوره شاه‌عباس اول ادامه یافت اما سپاهیان شاه‌عباس به رهبری امام‌قلی‌خان در ۱۶۲۳ و به کمک انگلیسی‌ها، پرتغالی‌ها را از هرمز بیرون کردند و پرچم آنان را از فراز جزیره هرمز به زیر کشیدند. در ۱۶۶۰ قشون عمان، مسقط را متصرف شدند. به این ترتیب مهم‌ترین سنگر پرتغالی‌ها در دریای عمان از دست آنان خارج شد و به این ترتیب سلطه پرتغالی‌ها بر منطقه خلیج‌فارس پس از ۱۵۰ سال خاتمه یافت.

در حقیقت می‌توان این‌گونه گفت که در زمان حکومت شاه اسماعیل صفوی، پرتغالی‌ها از دلمشغولی وی برای مبارزه با عثمانی‌ها در شمال‌غرب کشور استفاده کرده و در آب‌های خلیج‌فارس اعلام موجودیت کردند. استعمارگران پس از آنکه بخش‌هایی از جزایر خلیج‌فارس را به اشغال خود درآوردند قلعه‌هایی ساختند که امروز بخشی از آنها به دست ما رسیده است. در میان این مجموعه قلعه در جنوب ایران، قلعه‌های پرتغالی در هرمز، قشم و چابهار از بقیه معروف‌تر هستند.

قلعه پرتغالی‌ها در جزیره هرمز

جزیره بیضی شکل هرمز که طول محیط آن حدود شش‌هزارمتر است در مدخل خلیج‌فارس و در فاصله هشت‌کیلومتری بندرعباس قرار دارد. این جزیره را به علت موقعیت جغرافیایی آن و مجاورت با تنگه هرمز، کلید خلیج‌فارس می‌دانند. همین موقعیت است که آن را در طول تاریخ، هم به لحاظ بعد استراتژیک و هم اهمیت‌های بازرگانی در موقعیتی ویژه قرار داده بود. پررونق‌ترین دوره سکونت در جزیره هرمز به سال‌های پس از حمله مغول‌ها برمی‌گردد. در این سال‌ها مردمی که از دست مغولان فرار کرده بودند ابتدا به جزیره قشم و پس از آن به جزیره هرمز رفتند. با این کوچ در این جزیره شهری بنا شد که تا سال‌ها از رونق بسیاری برخوردار بود، عظمت شهر و جزیره هرمز به قدری شد که دو قرن بعد و تا زمانی که توسط پرتغالی‌ها اشغال شد مرکز ایالات خلیج‌فارس از جمله بحرین بود.

پس از اشغال هرمز توسط پرتغالی‌ها و استقرار نظامیان آنها در این جزیره، مردم هرمز در طول سال‌های اشغال مکرر سر به شورش برداشتند که مهم‌ترین این شورش‌ها مربوط به سال‌های ۹۱۹، ۹۲۵، ۹۲۸ و ۹۵۷ شمسی بود. در همه این سال‌ها حاکمان پرتغالی هرمز با حفظ دژ محکم خود در جزیره توانستند شورش‌ها را سرکوب کنند. البته در نهایت جزیره در سال ۱۰۳۱ از اشغال خارج و آزاد شد. هم‌اکنون آثار و خرابه‌های ابنیه و قلعه پرتغالی‌ها و توپ‌های آن در شمال جزیره در نزدیکی آبادی‌های فعلی دیده می‌شود.

به دلیل همین پیشینه پراهمیت در میان سه قلعه تاریخی استان هرمزگان، قلعه پرتغالی‌های بندر هرمز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بنا که قلعه اصلی و فرماندهی پرتغالی‌ها بوده در حاشیه بندر هرمز و در کنار آب‌های خلیج‌فارس با موقعیتی استراتژیک ساخته شده است. قلعه هرمز با ۱۱هزار متر مربع مساحت، از شاخص‌ترین قلعه‌های جزایر جنوب ایران محسوب می‌شود. قلعه پرتغالی‌های هرمز به فرمان «آلفونسو آلفوکرک»، دریانورد پرتغالی، در سال ۱۵۰۷ میلادی در محلی موسوم به مورنا ساخته شد که به شکل چندضلعی نامنظم و ساختمان آن بسیار محکم است. این قلعه دیوارهایی به قطر ۳/۵ متر با چند برج به ارتفاع ۱۲متر دارد و شامل انبارهای اسلحه، آب‌انبار بزرگ، اتاق‌های سربازخانه، زندان، کلیسا، مقر فرماندهی و تالار است.

> **در سال ۱۵۰۶ آلفونسو آلفوکرک دریاسالار معروف پرتغالی که به مستعمرات پرتغال در آسیا سفر کرده بود بر حسب اتفاق گذرش به خلیج‌فارس افتاد و با آن نواحی آشنایی پیدا کرد و بلافاصله با حضور در دربار مانوئل، پادشاه پرتغال طرح خود را برای اشغال جزایر خلیج‌فارس را ارایه و به تصویب رساند**

با این حال آنچه این قلعه را در آستانه تخریب قرار داد، وجود سوله و کارگاه خاک‌سرخ بود که بدنه سنگی آن را دچار آسیب و منظر قلعه را مخدوش کرده است. در همین رابطه «عباس نوروزی»، معاون حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان هرمزگان به خبرگزاری میراث گفته است: «از سال‌ها قبل تلاش برای برداشتن سوله و کارگاه خاک‌سرخ مجاور قلعه پرتغالی‌های بندر هرمز آغاز شده و حتی نتایج خوبی از جمله تعطیل شدن کارگاه را هم به همراه داشته است. اما هنوز موفق به برداشتن سوله و آزاد کردن حریم قلعه نشدیم.» این سوله درست در منظر دید قلعه و همچنین متصل به دیوارهای آن ساخته شده است. این اتصال به نحوی است که یکی از دیوارهای قلعه، دیوار سوله هم محسوب می‌شود. به همین علت فعالیت تولید خاک‌سرخ در این سوله و انبارکردن آن باعث شده تا بخشی از دیوار قلعه نیز به رنگ خاک سرخ درآید.

در سال ۸۳ و در زمان دولت اصلاحات سفیر وقت پرتغال در تهران در دیداری با حسین مرعشی، رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ضمن ابراز تمایل به گسترش همکاری‌های فرهنگی دوجانبه بین دو کشور، برای مرمت قلعه پرتغالی‌ها در جزیره هرمز اعلام آمادگی کرد. در زمینه مرمت قلعه پرتغالی‌ها قرار بود تا دو هفته پس از آن دیدار مراحل سازمانی این همکاری انجام شود، با این حال این اقدام هیچ‌گاه صورت نگرفت.

قلعه پرتغالی‌ها در قشم

قلعه پرتغالی‌ها در قشم در انتهای شمال‌شرقی جزیره واقع است. این قلعه دو حصار و برج‌هایی در چهارگوش دارد. در پشت حصار بیرونی قلعه، خندقی وجود داشته که اینک پر شده است. دیوارسازی قلعه با سنگ‌های مرجانی و سنگ‌لاشه و ملات گچ و ساروج به شکل بناهای عهد ساسانی انجام گرفته است. در میان خرابه‌های قلعه هنوز هم تعدادی لوله زنگ‌زده توپ وجود دارد، که چهار لوله از این لوله‌ها را در اطراف در ورودی پاسگاه‌های قدیمی شهر قشم و لافت نصب کرده‌اند و چند لوله توپ دیگر نیز به بندر لنگه حمل شده است.

این قلعه در سال ۱۵۰۷ میلادی به فرمان «آلفونسو آلفوکرک» دریانورد پرتغالی در جزیره قشم احداث شد. قلعه قشم با مساحتی بیش از دوهزارمترمربع از سنگ‌های آهکی و گچی با ملات ساروج محلی ساخته شده و طی یک قرن چندین‌بار استحکام‌بخشی یافته است. این دژ راست گوشه است. چهاربرج در چهارگوشه و بازوهایی بلند دارد که توپ و منجنیق‌ها روی پهنای آن مستقر می‌شده‌اند. قلعه‌قشم کاربردی چون یک انبار بزرگ یا جای نگهداری مهمات و سلاح داشته که در مواقع اضطراری به دیگر دژها کمک می‌رسانده است. قلعه پرتغالی‌ها یک قلعه تدارکاتی بود که برای ارتباط با قلعه هرمز و رساندن تدارکات و خدمات به این قلعه مرکزی در قشم ساخته شده بود. احسان یغمایی باستان‌شناس پیشکسوت که سابقه کاوش و اقدامات باستانی بسیاری در حوزه آثار خلیج‌فارس را در پرونده خود دارد، این قلعه را در سال ۷۸ از زیر خاک بیرون آورد. این باستان‌شناس تا بهار ۱۳۷۹ در این قلعه به کاوش پرداخت. در آبان ۱۳۸۷ نیز در پی حفاری‌های شرکت برق در محدوده ۵۰۰ متری قلعه پرتغالی‌ها، تونل قدیمی متصل به این قلعه در شهر قشم، کشف شد.

این تونل که به قلعه پرتغالی‌ها متصل است، راه فرار فرماندهان و نیروهای نظامی پرتغالی و همچنین مکان نگهداری مهمات نظامی آنان بود. این تونل تا محدوده میدان سعدی شهر قشم به طول حدود سه‌کیلومتر، ادامه دارد. گفته می‌شود این تونل براساس برخی روایات از قلعه پرتغالی‌ها در شهر قشم تا غارهای خربس (در ۱۵کیلومتری جنوب شهر قشم) نیز ادامه دارد. در زمستان سال ۸۹ اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی سازمان منطقه آزاد قشم ساماندهی قلعه پرتغالی‌ها در شهر قشم را انجام داد. بر این اساس عملیات پاکسازی محیط داخل و پیرامونی قلعه پرتغالی‌های شهر قشم با لایروبی چاه و آب‌انبارهای مختلف و جمع‌آوری زباله‌ها انجام شد و همچنین بخش‌های تخریب شده و استحکام بخشی قسمت‌های مرمت‌شده آن نیز انجام گرفت. همچنین در این پروژه نصب تابلوهای راهنما و در ورودی قلعه و نورپردازی برای این اثر تاریخی انجام شد.

قلعه پرتغالی‌ها در چابهار

قلعه پرتغالی‌ها یا قلعه تیس در پنج‌کیلومتری شمال‌غربی چابهار، در روستای تیس قرار دارد. این دژ تاریخی یکی دیگر از بناهای به‌جا مانده از دوره حضور پرتغالی‌ها در چابهار است. این اثر به شماره ثبت ملی ۵۵۵ در فهرست آثار ملی وارد شده است.

این دژ به ابعاد ۲۶×۵۴ متر ساخته شده. پهنای ساختمان بر پهنه دماغه‌ای که ۵۰۰ متر از آبخور دریا فاصله دارد در بخش انتهای دماغه واقع است. در بخش شمال‌شرقی، درب ورودی اصلی قرار دارد و دارای چهار گوشواره که در پشت دیوارهای هشتی واقع‌اند، است. هر کدام از آنها خود یک اتاقی است که با پی‌های قطور ساخته شده‌اند. دارای ایوانی است که با دو پله با حدود یک‌متر ارتفاع از سطح حیاط دژ بلندتر است. نخستین بخشی که هنگام دیدن قلعه پرتغالی‌ها به چشم می‌خورد همین ایوان است با این حال بسیاری از قسمت‌های این ایوان ترک برداشته و آجرهای آن ریخته است. در گوش شمال‌شرقی آثار اتاق‌هایی وجود داشتند که اکنون همه آن اتاق‌ها ویران شده‌اند و هر کدام دارای یک اتاق بزرگ‌تر مشرف به ایوان اختصاصی هستند. شیوه ساخت بنا (اتاق‌ها و ایوان‌ها) شبیه به کاروانسرای شاه‌عباسی بیستون است که در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده‌است. در سه طرف حیاط حجره‌ها و اتاق‌هایی در گوش شمالی وجود دارند. در سوی ساحل دریای عمان آثار دو برج بزرگ در طرفین دیده می‌شود. برج سمت راست که در جنوب قرار دارد به صورت یک اتاق با یک ایوان و یک شاه‌نشین است که روی هرمی مکعب‌مستطیل‌شکل پی‌سازی شده و یک برج با مناره روی آن قرار گرفته و یک مناره به ارتفاع ۶/۵ متر باقی مانده است. مصالح به‌کار رفته در ساخت دژ، آجر، سنگ و گچ هستند و آثار و تزئینات از آجر و سنگ در اطراف گلدسته‌ها باقی مانده‌اند، این مناره که برای دیده‌بانی به‌کار می‌رفت از فاصله زیادی در دریا دیده می‌شود.

ساخت و نوع مصالح به‌کار رفته مناره و گوشواره به سبک سلجوقی است. تعمیرات بعدی که در اتاق‌ها و ایوان‌ها انجام شده بیشتر سبک صفوی و قاجار است. در گوشه‌های حیاط دژ آثاری از آب‌انبارها به چشم می‌خورد که از سنگ و ساروج و گچ ساخته شده‌اند. در بیرون دیوار بلند دژ آثار چاهی وجود دارد که در سنگ صخره کنده شده و لبه چاه با استفاده از سنگ و ساروج محکم شده‌است. در بخش سقف دژ چوب‌هایی به‌کار رفته که احتمالا از مناطق دیگر به اینجا آورده شده‌اند.

تزئینات دور مناره آجر چینی شبیه سبک تزئینات مناره‌های دوره سلجوقی است که اگرچه از بین رفته‌اند ولی نقش‌هایی به خط عربی و خط کوفی از اثر برجستگی‌ها و گودی‌ها مشخص می‌شود. اندازه اتاق‌ها معمولا ۴×۳ متر یا کمتر است که دور یا چهار سوی یک پهنه پهناور واقع شده‌اند.

در کتاب باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان به نقل از سرتیپ مهدی‌خان مهندس ایرانی آمده‌است: «در تیس بسیار دژ خوبی است و یک سوی بدنه دژ وصل به دریاست، قدری ناتمامی دارد که بنا و عمله در آن مشغول کارند. دیوار بزرگی از سوی دریا کشیده‌اند برای بار اندازی و غیره. حصن معتبری است و اصل دژ نو در روی تپه مرتفعی ساخته شده‌است.» تاریخ این نوشته به سال ۱۲۸۲ هجری قمری می‌رسد.

با این حال اما آن‌گونه که خبرگزاری میراث گزارش داده، این قلعه اکنون شرایط مناسبی ندارد و بدون حضور مسوول حراست و نگهبانی رها شده است. اگرچه به نظر می‌رسد که مرمت‌هایی روی دیوارهای آن انجام شده است اما این مرمت‌ها نتوانسته که بنا را سرپا و احیا کند. علاوه بر این در بخش‌هایی از این قلعه نیز سعی شده که آبشاری مصنوعی ساخته شود که هیچ‌گونه همخوانی با کاربری قلعه ندارد و در نتیجه این بخش از مرمت هم نتوانسته موفق باشد و همان‌گونه رها شده و در حوضچه‌ای که پایین قلعه احداث شده لجن جمع شده است.

این تنها آسیب‌های وارد شده به قلعه پرتغالی‌ها نیست بلکه بخش‌هایی از برج ورودی قلعه پرتغالی‌ها فرو ریخته و دیوارهای آن هم در حال فرو ریختن است. طاق‌ها و دیوارهای آن نیز به‌شدت آسیب دیده و در معرض خطر تخریب تدریجی قرار دارند. در جای‌جای آن هم زباله ریخته شده و تنها شانسی که به نظر می‌رسد این قلعه آورده تعداد گردشگرانی است که به چابهار نمی‌روند.

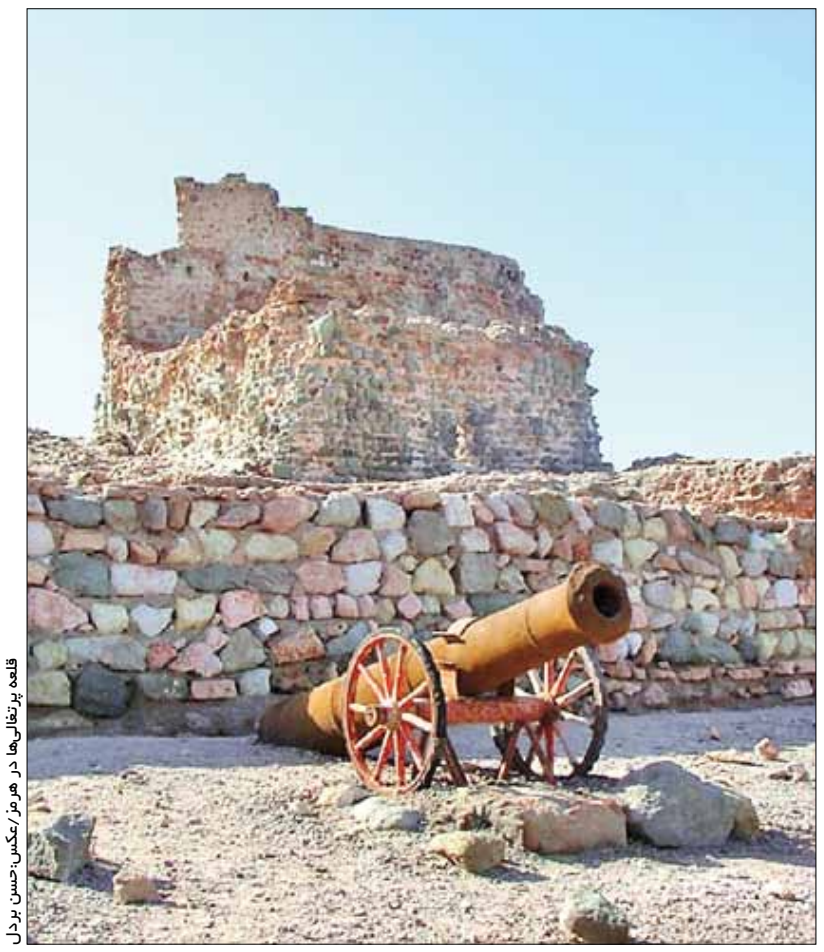

قلعه پرتغالی‌ها در هرمز/عکس: حسن بردل

میراث نامه

داستان‌ها و اسطوره‌های دریاهای جنوب

پری دریایی در خلیج‌فارس چالش افسانه و تاریخ

■ **خبرگزاری میراث:** خلیج‌فارس در عمق آب‌های خود، داستان‌های کهن و اسطوره‌های بسیاری را جای داده؛ همچنان که این خطه از ایران، مهد زایش بخش عمده‌ای از تمدن‌های جهان بوده، راوی و زاینده بسیاری از قصه‌ها و حکایت‌های مردمی نیز هست. آنجا که حرف از شاهان ساسانی می‌شود، آنجا که حکایت کشتی‌های بادبانی است و داستان‌هایی از پری‌های دریایی.

جنوب، هنوز که هنوز است با آن هوای شرجی و دل‌های گرم مردمش، معدن نَقل نُقل‌هایی است که از مجاورت دریای سحرانگیز خلیج‌فارس و جزایر پر از راز و رمزش متولد شده‌است. درست از آنجا که تصویر تور ماهیگیری، «صید» و «نیاز» را در خاطره‌ها متجلی می‌کند، قدیمی‌ترین کتب اسطوره‌های پارسی به خون دل مردم رنجور ساحل خلیج‌فارس تحریر می‌شود. داستان‌هایی که سینه به سینه روایت شده‌اند و اکنون نه‌تنها نماد تمدن سرزمین بزرگ ایران هستند، بلکه یادآور حضور همیشگی فرهنگ ایرانی از حوالی شط اروندرود تا آخرین سانتی‌مترهای گواتر است. این داستان‌ها و روایت‌های آغشته به افسون و افسانه یا بر محور زندگی در خشکی بوده‌اند یا حاصل دل‌مشغولی دریانوردان. اگرچه بسیاری از منابع تاریخی وجود پری دریایی در خلیج‌فارس را قبول ندارند، اما افسانه‌ها و اسطوره‌های این مرز و بوم خواسته یا ناخواسته پرورش‌دهنده هزاران پری دریایی عجیب بوده‌اند. با این همه حمدالله مستوفی در بخش جانورشناسی کتاب «نزهه‌القلوب» اعتقاد راسخ دارد که خلیج‌فارس هم به مدد جزایر پراکنده و پرشمارش همواره یکی از مکان‌های حضور این آدم وشان بوده و هست. اما اینکه چرا افسانه‌های مردم خلیج‌فارس پیوند عجیبی با این مردمان آبی دارد شاید به دلیل خوش‌یمنی آنها در فرهنگ عامه باشد. براساس داستان‌های افسانه‌ای دریایی خلیج‌فارس، دریانوردان ایرانی برخلاف بسیاری از دریانوردان جهان، پری دریایی را خوش‌یمن می‌دانسته‌اند، آن‌طور که مستوفی هم در کتاب خود نوشته: «ظهورشان در بحر، دریاورزان را خرّمی افزاید و آن را سبب آرام دریا دانند.»

پری دریایی در داستان‌های افسانه‌ای خلیج‌فارس تاریخی طولانی‌تر از دیگر افسانه‌ها دارد؛ از نخستین سفر کوروش کبیر به حاشیه این دریا، پریان دریایی به دامن قصه‌ها آمده‌اند گو اینکه گاه با نام دیگری! اسکندرنامه نظامی نخستین صحنه ظهور پری دریایی است اما در داستان «انشرتو» زن‌های دوزیست دریای‌پارس به خوبی نمایان می‌شوند. بابای دریا، گلاوماهی، گوهر شب‌چراغ، خرچنگ در کتاب ناخدا شهریار رامهرمزی، بوسلامه و منتیلپو دیگر جانداران اسطوره‌ای و افسانه‌ساز این پهنه

آبی هستند که داستان‌های فراوانی را به کرشمه افسانه در دل مردم این دیار حک کرده‌اند.

در زمره داستان‌های تاریخی، روایت‌های بسیاری از حضور پادشاهان ایران قدیم در سواحل و جزایر خلیج‌فارس نقل شده؛ روایت‌هایی که اگرچه کمتر در متون تاریخی به آن پرداخته شده، اما شواهدی مسلم در زندگی و حیات این بخش از ایران بر جا گذاشته‌اند که قابل انکار نیست؛ همچون داستان تاریخی شاپور ساسانی و مردان کهنسال جزیره لاوان. این داستان که بر آمده از تاریخ جزیره لاوان در خلیج‌فارس است حکایت از آن دارد که سه مرد کهنسال بومی این جزیره برای دادخواهی به نزد دومین پادشاه ساسانی، شاپور، آمده‌اند. دادخواهی این سه صیاد پیر از تازیانی بوده که دختری را از جزیره محل سکونت‌شان دزیده‌اند. دیگر داستان مهم در تاریخ خلیج‌فارس بی‌شک داستان حضور کوروش در سواحل اینجاست؛ حضوری که تا سال‌ها به وسیله یونانیان به اسکندر نسبت داده می‌شد اما محققان بالاخره نشان دادند که این کوروش بوده که به عنوان اولین پادشاه روبه‌روی خلیج‌فارس قرار گرفته و حضورش منبع داستان‌های بی‌شماری شده است. یکی دیگر از داستان‌های افسانه‌ای خلیج‌فارس درباره جزیره شیف است؛ جزیره‌ای که از به‌هم پیوستن آب رودخانه شاهپور و دالکی به وجودآمده و همواره جزء مناطق جادویی و داستانی حاشیه خلیج‌فارس به حساب می‌آمده است. افسانه صید صدف، داستان پری دریایی و اشباح تاریکی از افسانه‌های این جزیره رویایی هستند، داستان‌هایی که اهالی بوشهر آن را به خوبی می‌دانند و سال‌هاست که سینه‌به‌سینه میان نسل‌های مختلف می‌چرخد.

از دیگر وجوه حضور افسانه‌های جزیره‌ای در خلیج‌فارس، وجه‌تسمیه جزایر است. هر جزیره کوچک و بزرگ در این دریای نیلگون برای خودش نامی دارد؛ نامی که به این راحتی‌ها بر تن جزیره ننشسته و ماجرای هر کدام در قالب افسانه، داستان یا حتی اسطوره‌ای درآمده تا در قلب همگان زنده بماند. درست مثل داستان جزیره کیش! اگرچه که وجه‌تسمیه کیش به دلیل بلندی‌های اطراف جزیره است اما بعضی از نویسندگان معتقدند نام این جزیره «کیان» بوده تا اشاره‌ای باشد به سلسله کیانیان و ماجرای تخت کیکاوس که در سیراف فرود آمد.

ویژگی اصلی این افسانه‌ها در اولین نگاه وابستگی به دریا و تاکید بر خلیج‌فارس است اما ویژگی‌های اساطیری‌شان هم قابل انکار نیست؛ حضور موجودات فرابشری و حیوانات عجیب و غریب اساطیری به عنوان شخصیت اصلی داستان معنایی جز این ندارد.